

تبیین، مقایسه و تحلیل فرآیند شکل‌گیری نظریه‌های مددکاری اجتماعی (یک مرور سیستماتیک)

عطیه حاشیه‌باف: گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

عذرا فرمانی*: گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران nasim_farmani@yahoo.com

نسرین بابائیان: گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

محمد باباپور: گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

معصومه معارف‌وند: گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران arammaref@gmail.com

واژگان کلیدی

مددکاری اجتماعی

نظریه

مرور سیستماتیک

مقدمه: در حال حاضر نظریه‌ها نقش بسزایی در همه علوم انسانی از جمله مددکاری اجتماعی ایفا می‌کنند اما نظریه‌های مددکاری اجتماعی هیچ‌گاه بطور جامع مورد مقایسه و تحلیل قرار نگرفته‌اند. این مرور مهمترین نظریه‌های مددکاری اجتماعی را بررسی و مقایسه می‌کند.

چکیده

روش: پایگاه‌های اطلاعات الکترونیکی مرتبط (Pub Med Elsevier, Google Scholar, Science Direct و Critical Social Work, SID, SAGEPUB, CIVILICA) به صورت سیستماتیک با استفاده از کلید واژه‌های Social Work و Theory و نام‌های اختصاصی نظریات جستجو شدند. سپس اسنادی که به تبیین، مقایسه و یا تحلیل نظریه‌های مددکاری پرداخته بودند، استخراج شدند. نظریه‌ها بر اساس دلیل و زمان شکل‌گیری، اهداف، گروه هدف، نقش مددکار اجتماعی و روش، مدت و تمرکز زمانی مداخله مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: ۲۵ نظریه مددکاری اجتماعی مقایسه شدند. بر اساس ظهور و پیشرفت نظریات مددکاری اجتماعی سه موج اصلی در حوزه مددکاری اجتماعی فردی، دو موج در حوزه کار با خانواده و چهار موج در حوزه مددکاری اجتماعی جامعه‌ای معرفی شدند. بسیاری از نظریه‌های مددکاری اجتماعی به منظور تکمیل نظریه‌های قبلی ارائه شده‌اند و بیشتر نظریه‌ها بر زمان حال تمرکز داشته‌اند و در برگیرنده مداخلات بینش محور بودند بلکه مداخلات با تمرکز بر فرد و محیط پیرامون توجه بیشتری نشان داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: رخ دادهای جهانی مانند جنگ‌های جهانی، جنبش‌های اجتماعی چون فمینیست، جهانی شدن، پیشرفت تکنولوژی و اینترنت، در تغییرات نظریه‌های مددکاری اجتماعی بسیار موثر بوده‌اند. در بسیاری موارد مددکاران اجتماعی به عنوان مدافع، توانمندکننده و برنامه‌ریز برای برقراری عدالت اجتماعی تلاش می‌کنند. می‌توان پیش‌بینی کرد پدیده‌های جهانی و بین‌المللی در آینده بر تغییرات نظریه‌های مددکاری اجتماعی تأثیر قابل توجهی داشته باشند.

* نویسنده مسئول

نوع مقاله: مروری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

عطیه حاشیه‌باف، عذرا فرمانی، نسرین بابائیان، محمد باباپور، معصومه معارف‌وند. تبیین، مقایسه و تحلیل فرآیند شکل‌گیری نظریه‌های مددکاری اجتماعی (یک مرور سیستماتیک). فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (۳): ۱۶-۲۵

نحوه استناد به مقاله:

Explanation, Comparison and Analysis of the Process of Social Work Theories Formation (a Systematic Review)

Atiya Hashibaf: Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation

Azra Farmani*: Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation nasim_farmani@yahoo.com

Nasrein Babaeian: Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation

Mohamad Babapour: Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation

Masoomeh Maarefvand: PhD in social work. Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation arammaref@gmail.com

Abstract

Interoduction: At present, theories play a role in all human sciences, including social work but, the social work theories have not been comprehensively compared and analyzed. This review investigates and compares the most important social work theories.

Methodology: Relevant electronic databases (Pub Med, Elsevier, Google Scholar, Critical Social Work, SID, SAGEPUB, CIVILICA and Science Direct) were systematically searched using Social Work and Theory Key Words and the specific names of theories. Then the documents were extracted that they had explained, compared or analyzed social work theories. Theories were compared and analyzed based on reason and date of development, goals, target population, social worker's role, and method, duration and time concentration of intervention.

Results: Twenty-five social work theories were compared. According to the development process of the social work theories, three main waves for the individual social work, two waves for family social work and four waves for community social work have been introduced. Most of the social work theories have been presented in order to complete the previous theories and focused on present and insight-driven interventions. Moreover, they mostly have been paid attention to individual intervention and their environment.

Conclusion: Global events such as world wars, social movements like feminism, globalization, technology advancement and internet had been very effective in changes of social work theories. In many cases, social workers attempt as advocates, enablers and programmers for social justice. It is predictable that global and international phenomenon will have enormous effect on the changes of social work theories in future.

Keywords

Social Work

Theory

Systematic Review

* Corresponding Author
Study Type: Case Study
Received: 22 Nov 2014
Accepted: 31 Dec 2014

Please cite this article as follows:

Hashibaf A, Farmani A, Babaeian N, Babapour M, Maarefvand M. Explanation, comparison and analysis of the process of social work theories formation (a systematic Review). Quarterly journal of social work. 2014; 3 (3); 16-25

مقدمه

یاری رساندن انسان‌ها به هم‌نوعان خود از زمانی که بشر زندگی اجتماعی خود را آغاز کرد، وجود داشته است. مددکاری اجتماعی بصورت حرفه‌ای در اوایل قرن ۱۹ میلادی شکل گرفت اما بطور اخص در پاسخ به آثار مخرب جنگ جهانی دوم گسترش یافت. نظریه تشخیص اجتماعی مری ریچموند باعث شد مددکاری اجتماعی برای اولین بار بطور ساختار یافته به ارائه خدمات حرفه‌ای بپردازد.

مالکوم پین (۲۰۰۵) نظریه را تلاشی برای پاسخ دادن به سوال «چرا» درباره برخی از جنبه‌های یک واقعیت تعریف می‌کند. در حال حاضر نظریه‌ها نقش بسزایی در مددکاری اجتماعی ایفا می‌کنند. نظریه‌ها به مددکاران اجتماعی در تصمیم‌گیری اینکه چه کسی یا چه چیزی باید کانون ارزیابی یا مداخلات باشد کمک می‌کنند (هیلی، ۲۰۰۵). در واقع این نظریه‌ها هستند که فعالیت‌های مددکاری اجتماعی را در پاسخگویی به مراجعین، ارزیابی، بهبود و تقویت خدماتی که ارائه می‌دهند، هدایت می‌کنند (پین، ۲۰۰۵؛ هیلی، ۲۰۰۵).

نظریه‌های مددکاری اجتماعی در قاب زمان مشمول تغییر، تکوین و انعطاف شده‌اند. همچنین باید توجه داشت که هیچ نظریه‌ای برای همیشه کارایی ندارد چراکه مراجعان دنیای خارج را با خودشان وارد فعالیت مددکاری اجتماعی می‌کنند و ماهیت مددکاری اجتماعی را تغییر می‌دهند و به این ترتیب نظریه را نیز دستخوش تغییر می‌کنند (پین، ۲۰۰۵). از سوی دیگر علاوه بر تنوع مراجعین و واقعیت‌های اجتماعی مختلف جاری در جامعه، توسعه دانش، ارزش‌ها و مهارت‌ها در مددکاری اجتماعی زمینه را برای تغییر و ظهور نظریه‌های جدید فراهم می‌کنند. باید توجه داشت که پافشاری بر روی یک یا چند نظریه مشخص برای پاسخگویی به همه نیازهای گروه‌های هدف می‌تواند به عدم کارایی مددکاران اجتماعی منجر شود لذا ضرورت دارد نسبت به همه نظریه‌ها موضع انتقادی وجود داشته باشد.

با مرور منابع موجود در زمینه نظریه‌های مددکاری اجتماعی می‌توان دریافت که نظریه‌های بسیاری از سایر رشته‌ها به حرفه مددکاری اجتماعی وارد شده‌اند اما در مورد اینکه چه تعداد نظریه در مددکاری اجتماعی ارائه شده است، آمار دقیقی موجود نیست و هر یک از نویسندگان تعداد متفاوتی از نظریه‌ها را گزارش کرده‌اند. به طور مثال والش (۲۰۱۰) ۱۱ گروه از نظریه‌ها را گزارش کرده، پین (۲۰۰۵) بیش از ۲۰ نظریه را معرفی نموده است. پیتز لیمن و نیک کودی (۲۰۰۸) ۱۵ نظریه را در ۴ طبقه (رویکرد عمومی التقاطی، فرا نظریه‌ها، نظریه‌های سطح میانه، مدل‌های ارائه خدمات به جمعیت در معرض خطر) و کارن هیلی (۲۰۰۵) نیز حدود ۱۰ تئوری را در ۵

گروه اصلی (تئوری سیستم‌ها، رویکرد حل مسئله، دیدگاه نقاط قوت، رویکرد ضد ستم، رویکرد پست مدرن) مطرح و مورد بحث قرار داده‌اند.

نظریه‌های مددکاری اجتماعی هیچ‌گاه بطور جامع مورد مقایسه و تحلیل قرار نگرفته‌اند. تنها در برخی منابع مقایسه‌های محدودی میان دو یا چند نظریه صورت گرفته است. به عنوان مثال والش (۲۰۱۰) و پین (۱۹۴۷) در مواردی به مقایسه‌های محدودی پرداخته‌اند و یا مافت و اشفورد (۱۹۹۱) نظریه‌های سیستم‌ها، تشخیص اجتماعی، روان‌تحلیلی و مکتب التقاطی مورد مقایسه قرار داده‌اند. کامپتون و گالاولی (۱۹۹۹) نظریه‌های حل مسئله و بوم‌شناختی، جانسون (۱۹۸۳) نظریه‌های نظام‌های اجتماعی، کارکرد اجتماعی، روان‌تحلیلی، تشخیص اجتماعی، حل مسئله و بوم‌شناختی، روبرتز و نی (۱۹۸۵) نظریه‌های مددکاری گروهی و جامعه‌ای، هاو (۱۹۸۷) نظریه فمینیستی، ضد تبعیض و حساسیت‌های نژادی-فرهنگی و تابلور و وایت (۲۰۰۱) نظریه‌های مددکاری اجتماعی مبتنی بر شواهد مانند نظریه‌های کارکردی و وظیفه‌مدار در مقابل نظریه‌های مبتنی بر نگرش‌ها و عواطف مانند نظریه‌های گشتالتی و انسان‌محوری را مقایسه کرده‌اند. به نظر می‌رسد، برامر (۱۹۷۳) با مقایسه ۱۲ نظریه التقاطی، روان‌تحلیلی، پدیده شناختی، رفتاری، منطقی، سیستمی، شیوه زندگی، سیستمی خانواده، چند فرهنگی، تحولات و آینده‌نگری، ارزشی و سیاسی و وسیع‌ترین مقایسه را در مورد نظریه‌های مددکاری اجتماعی انجام داده است. در این مقاله تغییرات نظریه‌های مددکاری اجتماعی در سه سده اخیر مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند.

روش

این مطالعه به روش مرور سیستماتیک انجام گرفت. بدین منظور نظریه‌های مددکاری اجتماعی بدون محدود کردن زمان در ظهور و پیدایش آن‌ها تا سال ۲۰۱۴ در بانک‌های اطلاعاتی Science Direct و Pub Med, Elsevier, Google Scholar, Critical Social Work, SID, SAGEPUB, CIVILICA جستجو شدند. برای جستجو از کلید واژه‌های Social Work و Theory، همچنین نام‌های اختصاصی نظریات استفاده شد. در مجموع ۸۳۶۰ سند (شامل کتاب و مقاله) در جستجوی اولیه بدست آمد که تعداد ۲۲ کتاب و ۹ مقاله بر اساس معیارهای «ارتباط موضوعی مطالعات انجام شده با موضوع تحقیق حاضر، تکراری نبودن و مرتبط بودن پیام اصلی مطالعات با موضوع تحقیق، داشتن متن کامل جهت بررسی محتوای مطالعات یافت شده»، از ویژگی‌های لازم برای ورود به مطالعه برخوردار بودند. با توجه به معیارهای ورود، ۲۵ نظریه بر اساس روند تکوین، طول مدت مداخلات، تمرکز زمانی مداخلات، شیوه مداخلات، محور مداخلات و بستر مداخله مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، که ماتریس مربوط به آن و اطلاعات استخراج شده در ادامه گزارش شدند (جدول شماره ۱)

جدول (۱) ماتریس نظریه‌های مددکاری اجتماعی								
نظریه	فهرست	رویکرد گشتایی	رویکرد کارکردی	روان‌پرایی	مداخله در بحران	رویکرد تحلیل رفتار متقابل	خانواده درمانی سبک	توسعه اجتماعی
عوامل زمینه ساز ظهور	مبارزه برای حقوق زنان	اعتراض به جرم‌گرایی در روانشناسی	مخالفت با تئوری من‌شنخصی - روانی اجتماعی	جستجوی علل برخی بیماری‌های فلج علامت‌گیر پروژکت	بررسی واکنش‌های سوگند و پیشگیری از بحران‌های ناشی از آن	وضع کاستی‌های رویکرد رویپویی به منظور دستیابی به نتایج سریع در بازه زمانی کوتاه	عوض از رویکرد روان‌تحلیلی و معرفی سیستم خانواده به عنوان واحد تغییر اجتماعی	جیش اسکندر کوشش‌های جامع در جهت اصلاح اجتماعی
زمان ظهور	۱۸۴۹	۱۹۲۰ تا ۱۹۱۲	۱۹۳۰	۱۹۳۰ - ۱۹۲۰	۱۹۴۰	۱۹۵۰	۱۹۵۰	دهه ۱۹۵۰
نظریه پردازان	ویرجینیا وولف، ایگل آدامز، گیلگان و دویس	کهار، کاتاکا، ورنایس و پرلز و کورت لوین	اتو رانک، جسی تافت، ویرجینیا دایسون	مری ریچسون، همیلتون، فلورانس هابلس، تول	روبرترمایر، کلی، جیمز و گیلی لند	ارنک برن، پینمن، کویپر، ترنر	ویرجینیا سبک	راس-رونمن، هلدنبرو، ندمولس
روش مداخله	مددکاری جامعه‌ای (اقدام اجتماعی)	مددکاری فردی	مددکاری فردی	مددکاری فردی	حل مسئله به روش رفتاری و شناختی	مددکاری گروهی با تأکید بر اصلاح پیش نویس‌های زندگی افراد	مداخلات سیستمی در سطح خانواده	مددکاری جامعه‌ای
هدف	رسیدن به وضعیت مطلوب و برابری و تساوی حقوق زنان و مردان	رشد آگاهی و مسئولیت‌پذیری مراجع در قبال خود و دستیابی به یکپارچگی ذهنی	کمک به مراجعین برای ابقای موفق نقش‌های اجتماعی	کمک به فرد، شرایط و با هر دو، برای دستیابی به شناخت و کاهش تضادهای درونی و با بیرونی	قطع و یا کاهش عکس‌العمل‌های ناشی از بحران و بازگرداندن عملکرد فرد بحران دیده به سطح عادی	ایجاد شناخت رفتاری، احساسی و ذهنی و برقراری تعادل بین بخش‌های مختلف حالات نفسانی	بازسازی روابط اعضای خانواده	مشارکت فعال و سازماندهی افراد جامعه در جهت برآورد ساختن نیازهای مشترک و مورد علاقه
گروه هدف	زنان، کودکان و پس از آن مردان	افراد فاقد تجربیات اطلاق	افراد و گروه‌های با مشکل در ابقای نقش و کارکردهای اجتماعی	افراد دارای اختلالات روانی و شخصیتی	افراد یا گروه‌ها در شرایط بحرانی	خانواده‌ها و گروه‌ها	خانواده‌ها یا بزادهای مختلف	اجتماع و جامع توسعه مسر
نقاط ضعف	خانواده سنتزی و بر هم ریختن ساختار خانواده	نادیده گرفتن مسائل اجتماعی به عنوان علت مشکل افراد، توجه کمتر به سیستم‌های فرهنگی، ضعف در احساس مسئولیت نسبت به دیگران	نادیده گرفتن عوامل و منابع بیرونی، سوق دادن افراد به سمت رفتار متعلا	تمرکز بیش از حد بر فرد، رعایت نشدن حق خود تصمیم‌گیری مراجع، استفاده از الگوی پزشکی در مداخلات به جای الگوی ارتباطات برابر.	نادیده گرفتن تغییر اجتماعی، پرداختن به مشکلات اجتماعی و بحران‌های دائمی، اتمام در نقطه شروع کار و شیوه مراجعه فرد بحران دیده	تأکید افراطی بر عناصر شناختی، توجه بیش از حد به فرد در گروه و کم-توجهی به پویایی گروهی	تمرکز بیش از حد بر الگوهای ارتباطی و عدم توجه به تمامی ابعاد و ساختار خانواده و تمرکز بیش از حد بر خود (من)	تمرکز بیشتر بر جنبه اقتصادی توسعه نسبت به جنبه اجتماعی
نقاط قوت	خروج زنان از عرصه خصوصی و ورود به عرصه اجتماعی	افزایش خودآگاهی، افزایش احساس مسئولیت‌پذیری نسبت به خود، تقویت اتکا به حمایت درونی	سوق دادن افراد به سمت کشف استعدادهای بالقوه درونی خود و حمایت از فرد برای باقلم رساندن این تواناییها. کمک به افراد به منظور تطبیق خواسته ایشان با توانمندیهای واقعیات و امکانات موجود.	متمرکز و ساختارمند بودن فعالیت، مفروضه به صرفه‌فرد از نظر زمانی و اقتصادی	انسان‌محوری، مدارگی و کارآمدی در قوآیند مداخله	توجه به یکپارچگی نظام خانواده	خروج زنان از عرصه خصوصی و ورود به عرصه اجتماعی	مشارکت دادن افراد در امور مربوط به اجتماع خود، بهره‌مندی تعداد بیشتری از افراد از خدمات
تمرکز زمانی مداخله	اکون	اینجا و اکنون	اکون	گذشته	اینجا و اکنون	گذشته و اکنون	اکون	اکون
طول مدت مداخله	کوتاه و میان مدت	بدون محدودیت زمانی	بدون محدودیت زمانی	بلند مدت	کوتاه مدت	کوتاه مدت	کوتاه و میان مدت	بلند مدت
مفاهیم کلیدی	زنان، برابری حقوق، محرومیت و نابرابری اجتماعی، حوزه‌های عمومی و خصوصی،	کلی، محیط	خواست، اراده، فرآیند، زمان	شخصیت، ناخودآگاه، لیدو، مکانیسم‌های دفاعی، مکانیسم‌های تطابقی و مقابله‌ای	بحران، اضطراب	حالات نفسانی سه گانه (کودک، والد و بالغ)، پیش‌نویس زندگی، ساختار روابط	الگوهای ارتباطی، مطب روان-بدن-احساس، پیام‌رسانی، اعتبار‌سنجی اجتماعی	مدنی، ظرفیت‌سازی، فراگیری اجتماعی، سرمایه اجتماعی
نقش مددکار اجتماعی	حساس‌کننده، آگاهی‌دهنده و حامی	آگاهی‌دهنده، آموزش‌دهنده	پای‌دهنده، تسهیل‌گر و واسط	تشخیص‌دهنده و درمانگر	مداخله‌گر، آواره‌کننده، راهنما و مشاوره	آموزش‌دهنده، تقویت‌کننده و تسهیل‌گر	مداخله‌گر، واسط و آموزش‌دهنده	تسهیل‌کننده، تسهیل‌دهنده، تسهیل‌دهنده، تسهیل‌دهنده، تسهیل‌دهنده، تسهیل‌دهنده
کشور	انگلیس	-	-	-	-	-	آمریکا	انگستان و آمریکای شمالی

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، اغلب نظریه‌های مددکاری اجتماعی در راستای تکمیل نظریه‌های قبلی ارائه شده‌اند. بیشترین فراوانی به لحاظ تمرکز زمانی در نظریه‌های مددکاری اجتماعی مربوط به تمرکز بر زمان حال و کمترین آن مربوط به تمرکز بر زمان آینده است. اغلب نظریه‌های مددکاری اجتماعی دارای مداخلات کوتاه مدت و میان مدت هستند و مداخلات بدون محدودیت زمانی دارای کمترین فراوانی است. بیشتر نظریه‌های مددکاری اجتماعی در برگیرنده مداخلات بینش محور در راستای تغییرات نگرشی و تفکری هستند. در اغلب نظریه‌های مددکاری اجتماعی، محور مداخلات تمرکز بر فرد و مبتنی بر تعاملات درون فردی با هدف توانمندسازی است. قابل توجه اینکه نظریه‌های مددکاری اجتماعی معاصر به جای تمرکز صرف بر فرد، به مداخلات با تمرکز بر فرد و محیط پیرامون مبتنی بر تعاملات فردی-محیطی توجه بیشتری نشان داده‌اند.

بر اساس جدول شماره ۳ که روند کاملی را از نظریات عرصه مددکاری اجتماعی به ما ارائه می‌دهد، می‌توان برای ظهور و پیشرفت نظریات مددکاری اجتماعی در هر یک از حوزه‌های فردی، گروهی و جامعه‌ای با در نظر گرفتن رخ داده‌های جهانی چون جنگ جهانی اول و دوم و همچنین ظهور فمینیست، دسته‌بندی‌هایی را در نظر گرفت.

ورود ایالات متحده به جنگ جهانی اول مشکلات جدید و مددجویان جدیدی را برای مددکاران اجتماعی مطرح ساخت و آن‌ها برای اولین بار در حال رسیدگی به افرادی شدند که مشکلاتشان لزوماً مالی نبود و از نوع مشکلات روانی و رفتاری بود. لذا برای رفع مشکلات آن‌ها با استفاده از کار فردی به عنوان روش اصلی نظریه‌های روان‌پویایی وارد حرفه مددکاری اجتماعی می‌شوند و در واقع بعد از جنگ جهانی اول و در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ نظریه‌هایی با خاستگاه روان‌شناسی و روش مداخله فردی ظهور کرده‌اند. نظریه‌های مبتنی بر فرد به واکاوی عمیق شخصیت افراد می‌پردازند و بسیاری از آن‌ها مقرون به صرفه‌اند. با وجودی که تمرکز زمانی مداخله روان‌پویایی و الگوی حل مسئله برگزیده مراجعان بوده است پس از آن نظریه‌هایی چون مداخله در بحران، تحلیل رفتار متقابل و شناختی رفتاری با ظهور خود بر «اینجا و اکنون» تاکید می‌کنند و در عین حال به دلیل طولانی مدت بودن مداخله روان‌پویایی و الگوی حل مسئله نظریه‌های مذکور با مداخله کوتاه مدت، فرایند عملیاتی خود را پیش گرفته‌اند. لیکن هنوز این نظریه‌ها دیدگاه روان‌شناسانه داشته و به تغییرات اجتماعی و مشکلات اجتماعی نمی‌پردازند. با نگاهی به نقش‌های مددکار اجتماعی از جمله درمانگر، مداخله‌گر، اداره‌کننده، آموزش‌دهنده و... (جدول شماره ۱) می‌توان چنین استنباط کرد که نقش‌های مددکار اجتماعی بیشتر متکی بر عمل و تمرین بوده و مددکار اجتماعی بیشترین مشارکت را در مداخله به عهده داشته است.

با توجه به اینکه مشارکت مراجع‌کنندگان در نظریه‌های مبتنی بر فرد «موج اول» بسیار کم بود. نظریه‌های «موج دوم» (وظیفه مدار، انسان محور و دلبستگی) با افزایش مشارکت مراجع‌کنندگان اما با همان تمرکز زمانی مداخله ظهور کردند. بنابراین از مشارکت مددکاران کاسته شده و بیشتر نقش راهنما، آگاهی‌دهنده و حامی را عهده‌دار شدند.

در سال‌های ۱۹۸۰ با ظهور تکنولوژی، ورود اینترنت به جوامع و حرکت جوامع غربی به سمت فردگرایی، شاهد ظهور نظریه‌هایی با محوریت مداخله متمرکز بر فرد (راغب‌سازی و متمرکز بر راه حل) یکی برای کار با افراد داوطلب برای تغییر و دیگری با افراد غیر داوطلب برای تغییر هستیم که مشارکت مددکاران بسیار پررنگ شده و نقش مداخله‌گر اصلی را به عهده دارند. خانواده درمانی در مددکاری اجتماعی با دو موج همراه است به نظر می‌رسد موج اول خانواده درمانی در پی موج دوم فمینیست و جنگ جهانی دوم و موج دوم خانواده درمانی در پی موج سوم فمینیست برای کار با خانواده‌ها ظهور کردند. خانواده درمانی موج اول با وجود اینکه به تمامی ابعاد ساختاری و معنوی خانواده توجه نداشته لیکن با روش مداخله سیستمی به بازسازی روابط اعضا و اصلاح نظام عاطفی در سطح خانواده می‌پردازند و با نگاهی مقایسه‌ای بین دو نظریه (ستیر و سیستم عاطفی) به نظر می‌رسد این دو نه تنها به لحاظ تمرکز زمانی و طول مدت مداخله مکمل هم بوده بلکه مددکار اجتماعی در هر دو نظریه از نقش ثابتی (مداخله‌گر، واسط و آموزش‌دهنده) پیروی می‌کند. شاید بتوان خانواده درمانی ساختاری را نظریه‌ای برای کمک به خانواده‌هایی که در معرض خطرات موج سوم فمینیست قرار داشتند، دانست چرا که درصدد تغییر فرد در چارچوب خانواده و محیط اجتماعی‌اش می‌باشد. بر اساس این نظریه مددکار اجتماعی به عنوان مداخله‌گر با توجه به گذشته و اکنون با خانواده‌ها در یک بازه زمانی طولانی کار می‌کند.

جدول (۲) توزیع فراوانی و درصد فراوانی نظریه های مددکاری اجتماعی بر اساس روند تکوین، طول مدت مداخلات، تمرکز زمانی، شیوه و محور مداخلات و بستر مداخله

ویژگی ها	تفکیک مفاهیم	فراوانی	درصد فراوانی
روند تکوین	تکمیل نظریه های قبلی	۱۵	۷۱
	تقابل با نظریه های قبلی	۹	۲۹
طول مدت مداخلات	بلند مدت	۱۰	۴۱
	کوتاه مدت و میان مدت	۹	۳۷
	بدون محدودیت زمانی	۵	۲۲
	تمرکز بر زمان حال	۱۲	۵۰
تمرکز زمانی	تمرکز بر زمان حال و گذشته	۵	۲۱
	تمرکز بر زمان گذشته	۳	۱۲
	تمرکز بر زمان حال و آینده	۳	۱۲
	تمرکز بر زمان آینده	۱	۵
شیوه مداخلات	مداخله جامعه ای	۲	۸
	مداخله فردی	۵	۲۰
محور مداخلات	مداخله تلفیقی (فردی گروهی جامعه ای)	۱۷	۷۲
	مداخلات بینش محور (مبتنی بر تغییرات نگرشی و تفکری)	۱۴	۵۸
بستر مداخله	مداخلات کنش محور (مبتنی بر تغییرات رفتاری و عملکردی)	۱۰	۴۲
	متمركز بر فرد (تعاملات فردی و توانمند سازی)	۱۶	۷۰
	متمركز بر فرد و محیط (تعاملات بین فردی و فردی - محیطی)	۷	۳۰

جدول (۳) تحلیل نظریه های مددکاری اجتماعی بر مبنای موج های شکل گرفته در هر حوزه زمان ظهور و روش مداخله

حوزه های کاربردی نظریه ها در مددکاری اجتماعی	موج های شکل گرفته در هر حوزه	نظریه	زمان ظهور	روش مداخله
حوزه فردی	موج اول	روان پویایی / الگوی حل مسئله / کارکردی / گشتالی / مداخله در بحران / تحلیل رفتار متقابل / شناختی رفتاری	۱۹۳۰-۱۹۵۵	فردی
	موج دوم	وظیفه مدار / انسان محوری / دلبستگی	۱۹۶۰	فردی
حوزه خانواده	موج سوم	متمركز بر راه حل / راغب سازی	۱۹۸۰	فردی
	موج اول	خانواده درمانی سبک / خانواده درمانی سیستم عاطفی خانواده	۱۹۵۰ و ۱۹۶۰	خانواده
حوزه جامعه ای	موج دوم	خانواده درمانی ساختاری	۱۹۷۴	خانواده
	موج اول	توسعه اجتماعی	۱۹۵۰	جامعه
	موج دوم	سیستمی / بوم شناختی	۱۹۷۰ و ۱۹۸۰	جامعه
	موج سوم	فمینیست / ضد تبعیض / ضد ستم / انتقادی / توانمند سازی / ساخت اجتماعی / سرمایه اجتماعی	۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰	جامعه
موج چهارم	مددکاری اجتماعی محیط زیست	۲۰۱۲	جامعه	

تعاملات بین افراد در زمینه های اجتماعی و ایجاد همبستگی متقابل بین مردم و محیط های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فیزیکی هستند. در این دوره از زمان نقش مداخله گری مددکاران بسیار کمرنگ شده و به جای آن مددکاران به عنوان مدافعین و توانمندکنندگان در عرصه جامعه فعالیت می کنند. به نظر می رسد مفاهیمی چون جهانی شدن و عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در گسترش نظریه ها با محوریت جامعه اثر گذار بوده اند.

پس از جنگ دوم جهانی مددکاری اجتماعی در ایالات متحده نقش بزرگتری را در تمام انواع سازمان های جامعه ای، توسعه جامعه ای و برنامه ریزی جامعه ای بازی کرد و این حرفه شروع به اضافه کردن نظریاتی در داخل حوزه مددکاری اجتماعی نمود. بنابراین با وجود اینکه دهه ۱۹۵۰ را می توان تکیه بر کار متمرکز بر فرد دانست، اما جنگ جهانی دوم باعث ظهور توسعه اجتماعی با هدف مشارکت فعال و سازماندهی افراد جامعه در جهت برآورده ساختن نیازهای مشترک و مورد علاقه گردید.

در تقابل با رویکردهای مبتنی بر فرد موج دوم نظریه های مبتنی بر جامعه (سیستمی و بوم شناختی) با تکیه بر تعادل پویا و تناسب و سازگاری بین افراد و محیطشان وارد عرصه مددکاری اجتماعی شدند. مددکار اجتماعی به عنوان تسهیل گر و برنامه ریز با گروه ها، شبکه های اجتماعی و جوامع به فعالیت پرداخت. با وجودیکه در اکثریت نظریه های مددکاری اجتماعی، مددکاران تنها از یک گروه یا جنسیت خاص حمایت نمی کنند اما دیده می شود که در دهه ۱۹۷۰ با ورود فمینیست به عرصه مددکاری اجتماعی، مددکاران جزء گروه هایی قرار می گیرند که بطور ویژه مدافع حقوق زنان و کودکان هستند و پس از ظهور موج سوم فمینیست به سمت توانمند کردن زنان رفته و آنان را برای خروج از عرصه خصوصی به عرصه عمومی با حفظ ارکان خانواده حمایت می کنند. ظهور دیگر نظریه های انتقادی به دنبال نظریه فمینیستی مددکاران اجتماعی را از سطح فرد و گروه فراتر برده و آن ها را ترغیب می کند تا در جهت تغییر و اصلاح جامعه از طریق استفاده از نظریه های ساخت اجتماعی و سرمایه اجتماعی قدم بردارند.

در حوزه جامعه ای، مددکاران با توانمندی گروه های هدف خود به دنبال کاهش نابرابری ها، غلبه بر موانع اجتماعی، افزایش

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ۲۵ نظریه مددکاری اجتماعی به روش مرور سیستماتیک مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. هر یک از نظریه‌ها بر اساس عوامل زمینه‌ساز و زمان ظهور نظریه، گروه‌های هدف و روش مداخله، تمرکز زمانی و طول مدت مداخله همچنین نقش‌های مددکار اجتماعی در کاربرد هر یک از نظریات، مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفتند.

بر اساس نتایج این تحقیق اغلب نظریه‌های مددکاری اجتماعی در راستای تکمیل نظریه‌های قبلی ارائه شده‌اند و بیشتر نظریه‌های مددکاری اجتماعی در برگیرنده مداخلات بینش محور در راستای تغییرات نگرشی و تفکری هستند. قابل توجه اینکه نظریه‌های مددکاری اجتماعی معاصر به جای تمرکز صرف بر فرد، به مداخلات با تمرکز بر فرد و محیط پیرامون مبتنی بر تعاملات فردی-محیطی توجه بیشتری نشان داده‌اند و اغلب بر ایفای نقش‌های آموزش‌دهنده و آگاه‌کننده توسط مددکاران اجتماعی تأکید نموده‌اند.

با توجه به اینکه بر اساس اسناد مورد مطالعه، سندی مرتبط یا هم‌راستا با موضوع مورد مطالعه یافت نشد، در نتیجه تحقیق حاضر بدون داشتن سابقه اجرایی قبلی و به عنوان موضوعی نو و ابتکاری به تحلیل و مقایسه نظریه‌های مددکاری اجتماعی پرداخته است.

دستاوردهای مطالعه نشان می‌دهد که روند ظهور و تکمیل نظریه‌های مددکاری اجتماعی، با در نظر گرفتن شرایط محیطی و رخدادهای تاریخی، هم‌داری تغییرات عرضی در برش زمان و هم‌واجد جهش‌های تکمیلی در طول زمان بوده است. همانگونه که در ماتریس قابل مشاهده است رویکردهای مبتنی بر تعادل و تناسب بین افراد و محیطشان، جایگزین رویکردهای مبتنی بر فرد شده و تأثیرات عوامل پیرامونی بر افراد و گروه‌ها مورد توجه و تمرکز خاص قرار گرفته است. مفاهیمی همچون جهانی شدن، سرمایه اجتماعی و عدالت اجتماعی در گسترش نظریه‌های مددکاری اجتماعی نقش موثری داشته و ظهور نظریه‌هایی از قبیل تفکر انتقادی، رویکرد ضد ستم و تبعیض، رویکرد ساخت اجتماعی و رویکرد مددکاری اجتماعی محیط زیست، فضاهای حرفه‌ای جدیدی را در راستای توانمندسازی و بهره‌گیری کارآمد از منابع محیطی و سایر زیرساخت‌های نظام اجتماعی، برای مددکاران اجتماعی فراهم نموده است.

در مجموع می‌توان گفت عواملی مانند عدم مقبولیت جزءنگری‌های روانشناسی، ظهور امواج فمینیستی، ضرورت توجه به بحران‌های محیطی و اجتماعی، لزوم توجه خاص به جایگاه خانواده در جامعه و خروج از رویکردهای فرد محور همچنین ظهور تفکرات اجتماعی تأثیرگذار بر افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه، از ارکان اصلی گسترش و بروز آمدی نظریه‌های مددکاری اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم تا کنون می‌باشند.

در آخر پیشنهاد می‌گردد مددکاران اجتماعی با تکیه بر مهارت‌ها و دانش منطبق بر مفاهیم نظری و آموزه‌های نوین علمی به عنوان پیشگامان عرصه یاری‌رسانی و عاملین تغییر در جامعه، به رفع چالش‌های نظری و عملی این حرفه همت گمارند. مددکاران اجتماعی ایران قادر خواهند بود با توسعه دانش‌های بنیادین و تلفیق الگوهای کارآمد، به تولید نظریه‌های منطبق با شرایط کنونی جامعه و یا بومی سازی نظریات موجود پرداخته و گام موثری در راستای توسعه و استقلال هر چه بیشتر این حرفه بردارند.

منابع

References:

- Adler, P.W.(1999) Social Capital: "The Good, The Bad, and The Ugly"
- Allan, J., Pease, B. Briskman, L. (2003) Critical social work: an introduction to theories and practices.
- Beckett, Chris (2006). Essential Theory for Social Work Practice. SAGE publication. London
- Brammer Lawrence M. (2001) The Helping Relationship Process and Skills. Translated by Karkia Parvane. Published (2)
- Cpnton, Beulah Roberts. Galaway, Burt. (2009) Social work Process. Vol(1). Translated by Sadrossadat. S.J. Karimi. F. published (3)
- Coady Nick, Lehmann Peter (2008). Theoretical Perspectives for Direct Social Work Practice: A generalist-eclectic approach (2nd edition). New York: Springer Publishing Company Coates, j. Ecology and Social work: Towards a new paradigm.
- Ghader, Zahra. Tabrizi, Mostafa. Ahghar, Ghodsi.(2010) Satir Family Therapy on the Coping with marital

conflict. Thoughts and behavior journal. Vol 3. No (11).

Healy, Karen (2005). *Social Work Theories in Context: Creating Frameworks for Practice*. New York: Palgrave Macmillan

Hekmat, Mohammad Asef.(2012) *Educational Theory Feminism Review*. Islamic Research and Training Journal. Vol. 4, No.1

James G. Daly, Jon Peters, Ron Taylor, Victoria Hanson, Delthea Hill.(2006) *Theory discussion in social work journals: a preliminary study*, 2006 advances in social work Vol. 7, No.1:1-19

Laura S. Abrams A. & Jené A. Moio, *A Community development theory and practice: bridging the divide between 'micro' and 'macro' levels of social work*, Allison Tan, presented at: NACSW convention 2009 october, 2009 Indianapolis, in *critical race theory and the cultural competence Ilemma in social work education*, a University of California at Los Angeles, Published online: 16 Mar 2013. *Journal of Social Work Education*, Vol. 45, No. 2 (Spring/Summer). Copyright © 2009, Council on Social Work Education, Inc. All rights reserve

Llewellyn Anne, Agu Lorraine, Mercer David (2008). *Sociology for Social Workers*. Translated by Faride Hemmati (1390). Tehran: samt

Louis C.Janson.(2006) *Social Work Practice A Generalist Approach*. Translated by Bazargani Mohammad Hossein. Published

Maft W.Mary(2011). *Introduction to Social Word and Social Welfare*. Translated by Ghaniabadi, Khadijeh. Published (5)

Macht, M. W., Ashford, J. B. (1991). *Introduction to Social Work & Social Welfare* New York: Merrill, an Imprint, of the Mac Millian Publishing Company

Mattaini, M. A., Lowery, C.T. and Meyer, C.H. (2002) *Foundations of Social Work Practice*.

Matthies, A. L and Ward, D. (2001) *The Eco-Social approach in social work*.

Nazari, Ali mohammad. Asadi, Masood. Shahini Ali.(2010). *Effects of short-term family therapy Satir intimacy couples*. *Women and Family Studies Journal*. Vol 2. No (5):109-129-

Payn Malcom.(2009) *Social Work & Community Care*. Translated by Zavareiee Fatemeh. Published (2)

Payne, M.(2002) *The Politics of Systems Theory within Social Work*.

Payne, Malcom.(2012) *Modern Social work Theory*. Third Edition. Translated by Allahyari, Talat. Bakhshinia, Akbar.Vol(1).

Piccard, Beety j (1989). *Introduction to Social Work a primer (4th edition)*. Translated by Monirossadat Mirbaha and Akbar Bakhshinia (1373). Tehran: Scientific Publication Center of Islamic Azad Universit

Rodgar, Narjes (2010). *History, ideas, trends and feminist criticism*. Office of Women's Studies.

Sholman Lawrence (1999). *The Skills of Helping Individuals, Families and Group*. Vol(1). Translated by Mirbaha, Monirossadat. Bakhshinia, Akbar.

Salvador Minuchin (2011). *Families & Family Therapy*. Introduction & Translation by Sanai Bagher. Published (8).

Samaram Ezat Allah (1371). *Social Work: work with individual*. Tehran: roshd

Satir Virginia.(2009) *Family Therapy Satir Approach*. Translated by M.Shooa Kazemi. S.Safe.

Satir Virginia.(2009) *People Making*. Translated by Birashk Behroz.

Shekari, Abbas. Kiani, Azam. Mohammadi, Safora.(2014) *Feminist historical analysis of the development of education, with emphasis on comparative view of Imam Ali (AS) and Lacan*. Fourth Congress of Philosophy of Education "Philosophical foundations of education reform in Iran"29-30. Mashhad Ferdosi University

Valerie D. Decker, Philip D. Suman, Barb J. Burge. Ankita Deka, Melanie Harris, Dwight J. Hymans, Michael Marcussen, Donna Pittman ,David Wilkerson, James G. Daley.(2004) *Analysis of Social Work Theory Progression* Published in 2004, Copyright© 2007 *Advances in Social Work* Vol. 8, No. 1 (Spring 2007) 81-103. Indiana University School of Social Work.

Walsh, J.(2010) *Theories for Direct Social Work Practice (2nd edition)*. Belmont: Wadsworth Cengage Learning.

<http://online.sagepub.com/search>

<http://www.civilica.com/>

<http://www.sciencedirect.com/>

www.elsevier.com

www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/

www.scholar.google.com

www.sid.ir